خبرخوان

عکس: همزمان

توزیع «روی» در مدارس ۲ استان محروم

ایسنا: مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت از برنامه‌ریزی اجرای برنامه مکمل‌یاری با «روی» در مدارس استان‌های کم‌برخوردار خبر داد. احمد اسماعیل‌زاده، درباره جزئیات برنامه پایلوت مکمل‌یاری با «روی» در مدارس افزود: «برنامه مکمل‌یاری با روی با همکاری یونیسف در مدارس استان‌های کم‌برخوردار اجرا می‌شود، براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، این برنامه در استان سیستان‌وبلوچستان اجرا می‌شود. همچنین در نظر داریم طرح پایلوت مکمل‌یاری با روی را علاوه بر استان سیستان‌وبلوچستان در یکی از استان‌های کرمان یا هرمزگان اجرا کنیم». او ادامه داد: «اجرای برنامه مکمل‌یاری در مدارس فقط به برنامه پایلوت مکمل‌یاری با روی محدود نمی‌شود، بلکه برنامه مکمل‌یاری با آهن و ویتامین D در مدارس کشور اجرا می‌شود. دختران مقطع متوسطه اول و دوم، یک مکمل که حاوی ۳۰ تا ۶۰ میلی‌گرم آهن است به صورت هفتگی به مدت ۱۶ هفته دریافت می‌کنند. مکمل آهن با هدف پیشگیری از کم‌خونی توزیع می‌شود». او افزود: «براساس دستورالعمل کشوری مکمل‌یاری، هدف از توزیع مکمل آهن در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم «پیشگیری از کمبود آهن» و «پیشگیری از کم‌خونی فقر آهن» است و «درمان کمبود آهن» هدف اجرای این طرح نیست. کمبود آهن می‌تواند تمرکز، یادگیری، رشد و تکامل را تحت تأثیر قرار دهد؛ اگرچه برنامه مکمل‌یاری با آهن در کشور اجرا می‌شود، اما متأسفانه میزان کم‌خونی و کمبود آهن در این گروه بسیار زیاد است. براساس گزارش‌های دانشگاه‌های علوم‌پزشکی، میزان کمبود آهن در این گروه سنی (مقطع متوسطه اول و دوم) حدود ۱۸ درصد است». اسماعیل‌زاده درباره مکمل‌یاری با ویتامین D نیز گفت: «مکمل ویتامین D پنجاه هزار واحدی به صورت ماهانه در مدارس متوسطه پسرانه و دخترانه توزیع می‌شود. دختران و پسران می‌بایست ماهانه یک مکمل ۵۰ هزار واحدی ویتامین D مصرف کنند تا بتوانیم از کمبود این ویتامین در کشور جلوگیری کنیم».

بلاتکلیفی لایحه پلیس اطفال در مجلس

ایلنا: معاون وزیر دادگستری و دبیر مرجع ملی حقوق کودک می‌گوید: «لایحه «پلیس اطفال و نوجوانان» همچنان در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس قرار دارد و هنوز به نتیجه خاصی نرسیده است. کلیات آن تصویب شده و منتظر هستیم که وارد صحن علنی و تصویب شود». علی کاظمی، درباره سرانجام طرح پیگیری تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، توضیح داد: «تدوین این لایحه تکلیفی بوده است که قانون‌گذار در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ بر عهده قوه قضائیه قرار داده است؛ قوه قضائیه لایحه را تدوین و به دولت ارسال کرد و دولت در سال ۱۴۰۰ لایحه را به مجلس ارسال کرد. این لایحه جهت بررسی به کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس سپرده شد و در مجلس قبل جلسات کمیته فرعی و کمیسیون اصلی آن برگزار شد. این لایحه مکمل سایر قوانین کشور در زمینه اطفال و نوجوانان به ویژه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است و کودکان زیر ۱۸ سال را در سه حالت نقض قوانین جزایی، بزه‌دیدگی و وضعیت مخاطره‌آمیز پوشش می‌دهد». او درباره جزئیات لایحه کارگروه تشکیل پلیس اطفال هم افزود: «لایحه چندین نوآوری بسیار مهم در زمینه مواجهه با کودکان گروه هدف دارد: نخست تشکیل پلیس ویژه به‌عنوان یک ضابط تخصصی است. پلیس به‌طورکلی در نظام حقوقی ما از سال ۱۲۹۰ یک ضابط عام بوده است. یعنی وظایف اصلی ضابطی که در قانون آیین دادرسی کیفری برشمرده شده شامل متوقف‌کردن جرم، شناسایی و متوقف‌کردن مجرم، تحقیقات، جمع‌آوری و حفظ ادله، اجرای تصمیمات قضائی و ابلاغ اوراق قضائی بر عهده پلیس است. اما به‌تدریج در ساختار پلیس دو گونه ضابط شکل گرفته که در قوانین وجود ندارد. اما به صورت دوفاکتو پذیرش شده است». او در پاسخ به این سؤال که برای تأسیس پلیس اطفال چه اقداماتی لازم است؟ توضیح داد: «باید این موضوع زودتر در دستور کار صحن علنی مجلس قرار بگیرد و لایحه تصویب شود. از طرف دیگر، واحدهایی در پلیس باید تشکیل شوند و آموزش‌ها آغاز شود. در مرجع ملی حقوق کودک و قوه قضائیه این آمادگی وجود دارد که این آموزش‌ها به سرعت و باکیفیت ارائه شود. بنابراین، دو کار هم‌زمان باید انجام شود: پیگیری برای تصویب این لایحه در صحن علنی مجلس و راه‌اندازی هم‌زمان چند واحد برای پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و اجرای تکالیفی که اکنون بلااجرا باقی مانده است». او گفت: «یکی از چالش‌ها، چالش منابع مادی و انسانی راه‌اندازی پلیس ویژه است. به این معنا که محیط مناسب استاندارد به آنان اختصاص داده شود. نیروهای دارای انگیزه، دانش و تخصص لازم جذب شوند و آموزش‌های مناسب به آنان داده شود. چالش بعدی، فرایندهایی است که باید در پلیس تعریف شود و سپس بخشی از این فرایندها باید به صورت الکترونیک و نرم‌افزاری طراحی شوند. به نظر می‌رسد غلبه بر همین چالش‌ها چند سال زمان خواهد برد تا این پلیس به یک سطح کیفیت خاصی از حیث ساختمان، ترکیب لباس، الگوی کاری، خودروهای خاص و مانند آنها برسد. این امر نیازمند حجم کار سنگین است، اما برای کشوری که ۲۵ میلیون کودک دارد امری بسیار ضروری است».

هر ۴۰ دقیقه، یک ابتلا به سرطان پستان

رئیس انجمن بیماری‌های سینه ایران اعلام کرد که هر ۴۰ دقیقه یک زن در کشور به سرطان پستان مبتلا می‌شود و در صورت ادامه روند فعلی، این آمار تا سال ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد. ناهید نفیسی ادامه داد: «سرطان سینه به‌عنوان شایع‌ترین سرطان در میان زنان، به‌طور خاموش رشد می‌کند و نحوه رسیدگی به بیماران نقش تعیین‌کننده‌ای در روند درمان دارد. امروزه با استفاده از دستگاه‌های نوین می‌توان تومورهای سرطانی را کوچک کرد و سپس بیماران را برای شیمی‌درمانی و سایر مراحل درمان آماده کرد». او با اعلام اینکه ۱۵ درصد از مبتلایان سابقه ژنتیکی دارند، افزود: «با این همه سبک زندگی ناسالم، مصرف فست‌فود، کمبود تحرک، دیر بچه‌دارشدن و عدم مصرف غذای خانگی نیز از عوامل اصلی بروز این بیماری است». نفیسی همچنین به اهمیت جراحی‌های نوین سینه در مردان و زنان اشاره کرد و گفت: «مشکلات شایع شامل سرطان پستان در زنان و بزرگی سینه در مردان است. ماه اکتبر نیز به عنوان ماه جهانی آگاهی‌بخشی درباره سرطان پستان نام‌گذاری شده است».

«شرق» از ماجرای احیای «جشن مهرگان» و ثبت هفته‌ای به نام این روز گزارش می‌دهد

یک قدم برای بازگرداندن جشن‌های ملی

جامعه‌شناسان هشدار می‌دهند بازگرداندن مهرگان به متن زندگی اجتماعی، اگر با نگاه ابزاری و سلیقه‌ای دولت همراه باشد، به بی‌اعتمادی منجر می‌شود

مریم لطفی

جشن مهرگان، دومین جشن بزرگ ایرانیان پس از نوروز، نماد مهر، شکرگزاری، دوستی و عدالت اجتماعی است. این آیین کهن، ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد و نشان‌دهنده اعتدال پاییزی و برداشت محصول بوده است. با ثبت جهانی این جشن در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو به‌صورت مشترک با تاجیکستان در سال ۱۴۰۳، اهمیت آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و ضرورت احیای مردمی آن آشکار شده است. امسال، دولت با هدف بازآفرینی آیین‌های ملی، ایجاد نشاط اجتماعی و تقویت همبستگی مذهبی و ملی، برنامه‌هایی گسترده برای مهرگان در نظر گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان به راه‌اندازی «هفته مهرگان»، ثبت روز ۱۶ مهر به‌عنوان روز ملی و برپایی سفره مشترک میان مسلمانان و زرتشتیان اشاره کرد. همچنین، برنامه‌های فرهنگی، هنری و پژوهشی در سراسر کشور پیش‌بینی شده که شامل موسیقی و نمایش‌های آیینی، شاهنامه‌خوانی، بازارچه‌های صنایع دستی و کارگاه‌های آموزشی است. در کنار اینها، بخش بین‌المللی جشن با مشارکت تاجیکستان و تولید محتوای رسانه‌ای دیجیتال، به ارتقای چهره فرهنگی ایران در جهان کمک می‌کند. جامعه‌شناسان معتقدند بازگرداندن مهرگان به متن زندگی اجتماعی می‌تواند به تقویت هویت ایرانی، انسجام ملی و نشاط جمعی کمک کند، به‌ویژه در شرایطی که خانواده‌ها و نسل جوان از برخی آیین‌های سنتی فاصله گرفته‌اند. با این حال، آنها هشدار می‌دهند که این اقدامات نباید به شکل موقتی یا ابزاری انجام شود، چراکه دولتی‌شدن جشن‌ها ممکن است اعتماد عمومی را همراه نداشته باشد. نکته انتقادی آنان این است که موفقیت مهرگان در بازگشت به زندگی روزمره مستلزم تداوم، مشارکت مردمی و احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی است. این گزارش با اتکا به مصاحبه‌های جامعه‌شناسان، در تلاش است چالش‌ها، فرصت‌ها و الزامات احیای پایدار سنت‌های دیرینه ایران، به ویژه جشن مهرگان را تحلیل و بررسی کند.

تلاش برای احیای مردمی مهرگان

در سال‌های اخیر، جشن مهرگان بیش از گذشته در کانون توجه قرار گرفته و مسیر ثبت جهانی آن مورد پیگیری جدی بود. در چهارم مهر ۱۴۰۰، این آیین همراه سه جشن دیگر ایرانی، شامل شب یلدا، سده و چهارشنبه‌سوری، به عنوان «میراث زنده ناملموس جاده ابریشم» به ثبت رسید. پیش‌تر نیز در پاییز ۱۳۹۹، پرونده مشترک ایران و تاجیکستان برای ثبت جهانی مهرگان در فهرست میراث فرهنگی ناملموس یونسکو ارائه شد و در اجلاس مجازی کمیته بین‌الدول میراث ناملموس بررسی شد. سرانجام، در آذرماه ۱۴۰۳، جشن مهرگان به‌طور مشترک توسط ایران و تاجیکستان در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشری یونسکو ثبت شد. این روند با اظهارات مقام‌های فرهنگی کشور همراه بود. صالحی‌امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در زمان ثبت جهانی «جشن مهرگان و ساز رباب»، بر اهمیت میراث ناملموس و ضرورت پاسداری از آنها به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی ایران تاکید کرده بود. چند روز پیش، علی دارابی، قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی، در آستانه مهرگان سال جاری، این جشن را «دومین جشن بزرگ ایران باستان پس از نوروز» توصیف کرد و گفت: «مهرگان نماد مهر، دوستی و شکرگزاری است که با اعتدال پاییزی و برداشت محصول پیوند دارد». او همچنین تاکید کرد که ثبت جهانی این جشن، ضرورت احیای مردمی آن را برجسته ساخته است.

بازگشت یک آیین ملی به متن زندگی ایرانیان

محمدجواد حق‌شناس، استاد دانشگاه و مشاور عالی وزیر میراث فرهنگی، در گفت‌وگو با «شرق»، آیین‌های ملی ایران را «ریشه‌دار، زنده و متناسب با خلق‌وخو و نیازهای جامعه ایرانی» می‌داند؛ آیین‌هایی که به گفته او بسیاری از آنها تا امروز استمرار یافته‌اند و برخی دیگر نیز «در گذر زمان با شرایط تازه همسو شده و به نیازهای روز پاسخ داده‌اند». با این حال، او معتقد است در جامعه امروز برخی موانع و سوءتفاهم‌ها در برداشت از این آیین‌ها دیده می‌شود. نخستین مانع از نگاه او، نگاه تقابلی میان آیین‌های ملی و مناسک دینی است. حق‌شناس تأکید می‌کند: «تجربه تاریخی ایران نشان می‌دهد این دو نه در تضاد، بلکه در هم‌افزایی با یکدیگر رشد کرده‌اند. جشن‌های نوروز و مهرگان نمونه‌هایی روشن‌اند که در دل فرهنگ اسلامی - ایرانی پاس داشته شده و هیچ‌گاه رودرروی یکدیگر قرار نگرفته‌اند. این جشن‌ها همواره فرصت‌هایی برای شکرگزاری، عدالت‌خواهی و گسترش دوستی و شادی جمعی بوده‌اند». چالش دیگر، فروکاستن آیین‌های ملی به سطحی نمایشی و صرفا سرگرم‌کننده است. او هشدار می‌دهد که «اگر جشن ملی تنها به مراسم نمایشی یا تجملی تقلیل یابد، بُعد هویتی و اخلاقی آن مغفول می‌ماند». از نگاه او، در جامعه متنوع امروز باید مراقب بود که آیین‌ها به ابزار تفکیک و مرزبندی بدل نشوند و به‌جای آن «به‌عنوان حلقه‌ای برای همبستگی و گفت‌وگو شناخته شوند». او بر این باور است که اگر آیین‌های ملی در بستری از گفت‌وگوی فرهنگی و با محوریت ارزش‌های مشترک بازخوانی شوند، «نه‌تنها سوءتفاهمی ایجاد نخواهند کرد، بلکه به پیوند اجتماعی و تقویت هویت ملی نیز یاری می‌رسانند».

عکس: بهروز مهری، AFP

کارکرد اجتماعی مهرگان

از دیدگاه حق‌شناس، جشن‌های ملی همچون مهرگان صرفا یادگارهای تاریخی نیستند، بلکه نقشی مؤثر در بازآفرینی نشاط جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند. او توضیح می‌دهد: «در شرایطی که جامعه با بحران‌های اقتصادی و روانی دست‌وپنجه نرم می‌کند، این جشن‌ها فرصتی فراهم می‌کنند تا مردم از دغدغه‌های روزمره فاصله بگیرند و در فضایی مشترک به شادمانی و تجربه حس تعلق فرهنگی بپردازند». به باور او، مهرگان با محوریت مفاهیمی چون اعتدال، مهرورزی و شکرگزاری، یادآور این نکته است که «زندگی اجتماعی بر پایه احترام متقابل، همدلی و همکاری استوار است». چنین آیین‌هایی می‌توانند بخشی از التیام روانی جامعه را تأمین کرده و روحیه جمعی را تقویت کنند. علاوه بر بعد فردی، این جشن‌ها در سطح اجتماعی نیز کارکردی برجسته دارند. حق‌شناس یادآور می‌شود: «وقتی مردم در برگزاری آیین‌ها مشارکت می‌کنند، حس مسئولیت‌پذیری، احترام به سنت‌ها و پیوندهای فرهنگی تقویت می‌شود و اعتماد، همکاری و همبستگی میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه افزایش می‌یابد». به این ترتیب، او مهرگان را نه‌تنها یک یادآوری فرهنگی، بلکه ابزاری برای ارتقای نشاط عمومی و انسجام ملی می‌داند.

ضرورت هماهنگی نهادی و مشارکت مردمی

حق‌شناس بر این باور است که برگزاری جشنی ملی مانند مهرگان تنها با همکاری میان نهادهای دولتی، شهرداری‌ها، نهادهای مدنی و رسانه‌ها امکان‌پذیر است. او تأکید می‌کند: «پراکندگی و ناهماهنگی نهادی می‌تواند هم بر کیفیت اجرا تأثیر منفی بگذارد و هم پیام جشن را مخدوش کند». به گفته او، نخستین گام برای جلوگیری از این وضعیت، طراحی چارچوب برنامه‌ریزی مشترک است؛ چارچوبی که شامل تعیین نقش دقیق هر نهاد، زمان‌بندی مشخص و خطوط ارتباطی روشن میان سازمان‌ها باشد. راهکار پیشنهادی او برگزاری جلسات هماهنگی منظم و تشکیل کمیته‌های مشترک با حضور نمایندگان دستگاه‌ها و نهادهای مردمی است؛ رویکردی که «علاوه بر کاهش دوباره‌کاری، امکان هم‌افزایی منابع و تجربیات را فراهم می‌کند». حق‌شناس همچنین بر اهمیت نقش‌آفرینی مردم تأکید می‌کند و می‌گوید: «برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که مردم، خانواده‌ها و گروه‌های محلی نقش فعال داشته باشند، نه صرفا تماشاگر». به باور او، فراهم‌کردن فرصت برای ابتکارهای محلی، فعالیت‌های فرهنگی و کارگاه‌های آموزشی، می‌تواند حس مالکیت و تعلق اجتماعی را تقویت کند. او رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را نیز «پل ارتباطی میان برنامه‌ریزان و جامعه» می‌داند که با اطلاع‌رسانی شفاف و گسترده، زمینه مشارکت واقعی را فراهم می‌کنند. به این ترتیب، ترکیب هماهنگی نهادی و مشارکت مردمی، از نگاه حق‌شناس، نه‌تنها کیفیت و اثرگذاری جشن را افزایش می‌دهد، بلکه مهرگان را به رویدادی ملی و فراگیر بدل می‌کند که هم نشاط جمعی و هم همبستگی اجتماعی را تقویت خواهد کرد.

بازتعریف هویت ایرانی و دیپلماسی فرهنگی

حق‌شناس احیای جشن مهرگان را فراتر از یک آیین سنتی می‌بیند و آن را فرصتی برای بازتعریف هویت ایرانی و نمایش ظرفیت‌های فرهنگی کشور در سطح ملی و بین‌المللی می‌داند. او توضیح می‌دهد: «این جشن، با تأکید بر ارزش‌هایی مانند اعتدال، مهرورزی و شکرگزاری، نمادی از فرهنگ دیرپای ایرانی است که می‌تواند حس تعلق و غرور ملی را در میان مردم تقویت کند». از نگاه او، زنده نگه‌داشتن آیین‌های تاریخی مانند مهرگان باعث می‌شود پیوند میان نسل‌ها مستحکم‌تر شده و هویت ملی در جامعه به‌صورت عملی تجربه شود، نه صرفا در قالب نظریه یا تاریخ. او به سطح بین‌المللی هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «ثبت جهانی مهرگان در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشریت، بستری برای تقویت دیپلماسی فرهنگی ایران فراهم می‌کند». این ثبت جهانی از نظر او نشان‌دهنده آن است که ایران نه‌تنها دارای تاریخی غنی است، بلکه «می‌تواند میراث فرهنگی خود را به‌گونه‌ای زنده و معاصر معرفی کند». به باور حق‌شناس، مهرگان می‌تواند به ابزاری برای گفت‌وگو و همکاری فرهنگی با دیگر کشورها بدل شود و تصویر ایران را به‌عنوان کشوری صلح‌جو، خلاق و حافظ ارزش‌های مشترک فرهنگی تقویت کند. او نتیجه می‌گیرد: «احیای مهرگان هم هویت ملی را زنده نگه می‌دارد و هم جایگاه ایران را در صحنه جهانی فرهنگ و دیپلماسی، به‌عنوان ملتی که خواهان گسترش مهر و دوستی و کاهش تنش‌هاست، مستحکم می‌سازد».

مهرگان؛ هزینه یا سرمایه‌گذاری؟

در برابر نگرانی‌ها از محدودیت‌های مالی و فشار اقتصادی، حق‌شناس اعتقاد دارد که برگزاری جشن‌های ملی مانند مهرگان نه‌تنها بار مالی اضافی بر دوش نهادهای دولتی نمی‌گذارد، بلکه می‌تواند به رونق گردشگری و صنایع فرهنگی کمک کند. او می‌گوید: «اگر این جشن‌ها به‌درستی برنامه‌ریزی و اجرا شوند، با جذب گردشگران داخلی و خارجی، موجب افزایش تقاضا برای خدمات گردشگری، صنایع دستی، هنرهای سنتی و محصولات فرهنگی خواهند شد و در نتیجه، درآمد و اشتغال محلی تقویت می‌شود». او به تجربه سایر کشورها اشاره می‌کند که نشان داده‌اند مناسبت‌های فرهنگی و ملی حتی در شرایط محدودیت مالی، «با طراحی هوشمندانه و مشارکت بخش خصوصی و نهادهای مردمی، به محرک اقتصادی تبدیل می‌شوند». به باور او، کلید موفقیت در این زمینه تمرکز بر برنامه‌ریزی مشارکتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی است: «وقتی شهرداری‌ها، نهادهای فرهنگی و جوامع محلی با یکدیگر همکاری می‌کنند، هزینه‌ها مدیریت می‌شود و اثرگذاری جشن افزایش می‌یابد». او همچنین نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را در تقویت حضور مردم و گردشگران برجسته می‌داند و معتقد است پیام جشن از این مسیر می‌تواند به مخاطبان گسترده‌تری برسد. از نگاه او، در نهایت مهرگان «نه یک هزینه صرفا دولتی، بلکه یک سرمایه‌گذاری فرهنگی و اقتصادی است که با ارتقای هویت ملی و ایجاد فرصت‌های گردشگری و فرهنگی، بازگشت ارزشمند برای جامعه و کشور را به همراه دارد».

بازگشت جشن‌های ملی؛ نگاهی جامعه‌شناختی

بازگشت جشن مهرگان به متن زندگی اجتماعی، موضوعی است که این روزها در محافل فرهنگی و رسانه‌ای ایران مورد بحث قرار گرفته و جامعه‌شناسان درباره نحوه اجرای آن هشدار می‌دهند. حسین ایمانی‌جاجرمی، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با «شرق»، وضعیت برگزاری جشن مهرگان و دیگر آیین‌های ملی را در ایران معاصر «نمونه‌ای از برخورد ابزاری و سیاسی با میراث فرهنگی» می‌داند. به باور ایمانی‌جاجرمی، بازگرداندن این آیین‌ها یکباره و با دستور دولتی نمی‌تواند تأثیرگذار باشد: «اگر قرار است جامعه ایران پویا و با نشاط باشد، این جشن‌ها باید در بطن زندگی جاری باشند و نه از طریق فرمان یا دستور دولت». او یادآور می‌شود «همه چیز در جامعه ما سیاسی شد و این باعث تخریب جشن‌ها و آیین‌های ملی شد. اکنون، باورکردن اهمیت آنها برای مردم دشوار است؛ حتی صحبت‌کردن درباره‌شان تا دیروز ریسک داشت و حالا که دولت می‌خواهد آنها را احیا کند، برخورد ابزاری کاملا مشهود است». ایمانی‌جاجرمی به سابقه نادرست دولت در برخورد با آیین‌های ملی نیز اشاره می‌کند: «زمانی که این جشن‌ها عملکرد داشتند، تقریبا تخریب شدند و اکنون که به آنها نیاز داریم تا انسجام اجتماعی و نشاط ایجاد شود، چیزی باقی نمانده است. حالا جشن‌ها تبدیل می‌شوند به بخش‌نامه‌ها و مراسمی بسیار کوتاه و با عجله». او به نقش اجتماعی این جشن‌ها در گذشته نیز تأکید دارد: «این جشن‌ها در سطح خانواده و محله برگزار می‌شدند و جنبه کامونال داشتند. وقتی دولتی شوند، وارد فرایندهای دیوان‌سالارانه می‌شوند و جنبه‌های اجتماعی خود را از دست می‌دهند. نهایتا در تهران یا چند شهر دیگر تنها یک تجمع نمادی برگزار می‌شود، در همین حد».

محدودیت‌ها و بازتعریف هویت ایرانی

ایمانی‌جاجرمی درباره اثرگذاری احیای این آیین‌ها بر هویت ملی و دیپلماسی فرهنگی ایران می‌گوید: «ما در عصری زندگی می‌کنیم که دیگران تاریخ و هویت برای خود می‌سازند؛ نگاه کنید به کشورهای حاشیه خلیج فارس که پیشینه تاریخی مدونی نداشتند اما اکنون هویت تمدنی می‌سازند. ما که چنین پیشینه‌ای داشتیم، اگر نتوانیم آیین‌های خود را به شکل واقعی و جاری زنده کنیم، عملا از ظرفیت تاریخی خود استفاده نمی‌کنیم». او معتقد است که احیای جشن‌ها نباید صرفا ابزاری برای نمایش دولتی یا برنامه‌های نمادین باشد، بلکه باید «در متن زندگی روزمره مردم جریان داشته باشد تا بتواند هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی تأثیرگذار باشد».

ثروت تاریخی و میراث فرهنگی؛ تهدید یا فرصت؟

ایمانی‌جاجرمی با تأکید بر اهمیت ثروت‌های تاریخی و تمدنی ایران می‌گوید: «این ثروت‌ها شامل میراث ملموس و معنوی، انواع سازه‌ها، اقلیم‌ها و آیین‌ها، یک دارایی عظیم هستند که متأسفانه به دلیل نگاه ایدئولوژیک و یک‌سونگری، به‌شدت مورد بی‌توجهی و غفلت واقع شده‌اند». او یادآور می‌شود که در جهانی که عرصه‌های رقابت شامل فرهنگ، هویت و تاریخ است، ایران نباید دست خالی باشد؛ «فقط کافی است از گذشته بازخوانی داشته باشیم تا ببینیم چقدر دست‌مان پر است».

با این حال، ایمانی‌جاجرمی به محدودبودن استفاده‌های فعلی از این دارایی‌ها نیز اشاره می‌کند: «اگر ضرورتی ایجاد شود و مثلا جشن مهرگان مورد توجه قرار گیرد، این توجه غالبا موقتی و محدود است و پس از مدتی، این آیین‌ها دوباره در فراموشی قرار می‌گیرند».

پیوند نسل جوان با آیین‌ها

او درباره چالش پیوند نسل جوان با آیین‌های گذشته توضیح می‌دهد: «این‌طور نیست که جوانان کاملا از سنت‌ها بی‌خبر باشند. جامعه ایران با تاریخی طولانی و ناملایمات متعدد، ظرفیت سازگاری دارد و این داشته‌ها، مانند نوروز و چهارشنبه‌سوری، در طول سال‌ها حفظ شده و مرتب یادآوری شده‌اند». با این حال، او بر تأثیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی بر خانواده‌ها و نهادهای خانوادگی تأکید می‌کند: «به دلیل توسعه ناموزون و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، نهاد خانواده در معرض تهدید است. این جشن‌ها و آیین‌ها معمولا خانوادگی هستند؛ وقتی خانواده‌ای در بحران باشد، دیگر اولویتش جشن‌ها و آیین‌ها نیست». او به مواردی مانند افزایش طلاق، تأخیر در ازدواج، پیداکردن مسکن مناسب و افزایش هزینه‌های آموزش و زندگی اشاره می‌کند که همگی بر ظرفیت خانواده برای برگزاری جشن‌ها تأثیرگذارند. ایمانی‌جاجرمی تأکید می‌کند که جشن‌های ایرانی «عموما خانوادگی و محلی بوده‌اند و نه دولتی. مردم در گوشه و کنار ایران، و حتی در تاجیکستان، افغانستان، ترکیه و کردستان، این آیین‌ها را حفظ کرده‌اند».

ادامه در صفحه ۱۱

خبرهای روز

جمع‌آوری خودروهای رهاشده تا پایان هفته

مهر: رئیس پلیس راهور تهران گفت: «خودروهای رهاشده در حاشیه معابر، تا پایان هفته فرصت دارند که منتقل شوند، در غیر این صورت به دستور مقام قضائی با جرثقیل جمع‌آوری خواهند شد».

ابوالفضل موسوی‌پور، با اشاره به مشکلات ترافیکی در اطراف مدارس گفت: «۲۹۹ مدرسه در حاشیه معابر اصلی که عرض کمی دارند، به‌ویژه در مناطق ۳ و ۴ موجب تراکم و بی‌نظمی ترافیکی شده‌اند». موسوی‌پور ادامه داد: «پلیس با استفاده از ظرفیت کامل ستادی و انتظامی، حضور خود را در مدارس پرجمعیت تضمین کرده است و در روز اول مهر، ۱۰۰ درصد آمادگی داشتیم و همه مدارس مهم تحت پوشش پلیس قرار گرفت». او از شناسایی و استقرار نیروها در ۶۰ نقطه کلیدی خبر داد و گفت: «این گلوگاه‌ها نقش مهمی در روان‌سازی ترافیک دارند». رئیس پلیس راهور تهران، درباره مشکلات ناشی از رفت‌وآمد والدین در ساعات مدرسه توضیح داد: «توقف‌های مکرر در حاشیه معابر برای رساندن دانش‌آموزان، باعث تشدید ترافیک شده است. مدیریت زمان ورود دانش‌آموزان در دو بازه زمانی به کاهش این مشکل کمک کرده است». او ادامه داد: «فشردگی سفرها و فعالیت شرکت‌های خصوصی در مناطق ۱، ۳ و ۶ موجب افزایش ترافیک بعدازظهرها می‌شود».

او در ادامه از ممنوعیت تردد موتورسیکلت‌های سنگین فاقد پلاک خبر داد و گفت: «در شش ماه گذشته، ۳۸ دستگاه توقیف شده و متأسفانه پنج نفر در تصادفات این موتورها جان خود را از دست داده‌اند».

ثبت‌نام ۵۳ هزار دانش‌آموز مهاجر

ایسنا: مدیر کل آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران با بیان اینکه سال گذشته بیشترین دانش‌آموز اتباع را در سطح کشور با ۱۴۹ هزار دانش‌آموز داشتیم، گفت: «تا این لحظه ۵۳ هزار دانش‌آموز اتباع ثبت‌نام کرده‌اند که البته روند ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع با شیوه‌نامه جدید وزارت کشور فعلا ادامه دارد و انتظار می‌رود آمار ثبت‌نام این دانش‌آموزان بیشتر شود».

یوسف بهارلو با بیان اینکه بیش از ۱۰ هزار کلاس، تراکم بالای ۳۵ نفر داشتند که به نحو شایسته‌ای اکنون پنج هزار کلاس درس به زیر ۳۵ نفر کاهش پیدا کرد، افزود: «این کاهش تراکم به کیفیت آموزش در کلاس‌های درس کمک خواهد کرد و کیفیت آموزشی را بالا خواهد برد».

به گفته او، یک میلیون و ۱۰۰ هزار دانش‌آموز در شهرستان‌های استان تهران تحصیل می‌کنند: «در شهرستان‌های استان تهران، سال گذشته ورودی پایه اول ۹۱ هزار دانش‌آموز بود و امسال تا این لحظه ۷۲ هزار ورودی پایه اول هستند که نسبت به سال گذشته کاهش ۲۰ هزار نفری جمعیت دانش‌آموزی را به‌دلیل موالید ایرانی داشتیم. روند ثبت‌نام دانش‌آموزان هنوز ادامه دارد و تا یک هفته یا نهایت دو هفته دیگر آمار نهایی می‌شود. به‌دلیل آنکه نوآموزان با تأخیر دو هفته‌ای آموزش را شروع می‌کنند، روند ثبت‌نام این دانش‌آموزان و آمار نهایی دو هفته آینده نهایی می‌شود».

او با بیان اینکه بیشترین تعداد فضای آموزشی در شهرستان‌های استان تهران و استان تهران در حال ساخت است، افزود: «در مجموع بیش از ۴۰۰ پروژه تعریف شده و در شهر قدس قرار است در یک فرایند سه‌ساله ۱۰۵ مدرسه ساخته شود که این حجم از پروژه‌ها هیچ‌وقت اتفاق نیفتاده است».